

انسانگرایی در هنر ایران

تألف: ساهو احمدیان



انتشارات علمی کالج
College Scientific Publication

سرشناسه : احمدیان، شاهو، ۱۳۶۶ -
عنوان و نام‌پدیدآور : انسان‌گرایی در هنر ایران
مشخصات نشر : سندج: علمی کالج، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری : ۱۲۶ ص.: مصور؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شاب : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۶۸-۹۲-۹:
وضعیت فهرست نویسی : فپای مختصر
یادداشت : فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی
<http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
شماره کتابشناسی : ۳۸۵۹۱۶۲



انسان‌گرایی در هنر ایران

تألیف: شاهو احمدیان

انتشارات علمی کالج / مدیرمسئول: کیوثرث کرمانی

صفحه آرای: بیان احمدیان / ویراستاری: رویا احمدی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴ / شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

مرکز پخش: سندج، سه‌راه ادب، مجتمع تجاری کردستان،

طبقه همکف، واحد ۱۶۲، انتشارات علمی کالج

تلفن: ۰۸۷۳۳۲۳۵۷۹۶ / فکس: ۰۸۷۳۳۲۳۷۲۳۷

۷.....	مقدمه.....
۱۱.....	انسانگرایی در هنر ایران.....
	فصل اول - تعاریف انسانگرایی
۱۳.....	۱-۱ اومانیزم.....
۱۴.....	۱-۲ انیسم از نظر واژه‌شناسی و لغت.....
۱۴.....	۱-۳ تعریف اومانیزم.....
۱۵.....	۱-۴ معنای «وی».....
۱۶.....	۱-۵ اومانیزم در زبان فارسی.....
۱۷.....	۱-۶ معانی اصطلاحی اومانیزم.....
۲۴.....	۱-۷ اصطلاح عام.....
۲۵.....	۱-۸ مؤلفه‌های موجود در اومانیزم.....
	فصل دوم - انواع اومانیزم
۲۷.....	۲-۱ انواع اومانیزم.....
۲۸.....	۲-۲ اعتقادات اومانیزتها.....
	فصل سوم - انسانگرایی مدرن و اسلامی
۳۳.....	۳-۱ اومانیزم مدرنیته.....
۳۶.....	۳-۲ اومانیزم اسلامی.....
	فصل چهارم - انسانشناسی
۴۱.....	۴-۱ انسانشناسی.....
۴۱.....	۴-۲ انواع انسانشناسی.....

۴-۳ انسان‌شناسی در یک نگاه..... ۴۴

۴-۴ مبانی انسان‌شناسی اومانیسم..... ۴۵

۴-۵ ضرورت انسان‌شناسی از دیدگاه‌های مختلف..... ۴۶

۴-۶ انسان در دیدگاه عرفان و تفکر اسلامی..... ۴۸

۴-۷ انسان در دیدگاه سهروردی و ابن‌سینا..... ۵۵

۴-۸ انسان در دیدگاه فارابی..... ۵۶

فصل پنجم - انسان‌گرایی در هنر ایرانی

۵-۱ انسان‌گرایی در هنر ایرانی..... ۶۰

۵-۲ شکل انسان در نگاشته‌گری..... ۶۴

فصل ششم - انسان‌گرایی در شعر معاصر فارسی

۶-۱ انسان‌گرایی در شعر معاصر فارسی..... ۹۶

انسان‌گرایی در دید کلی..... ۱۱۹

اومانیسم در دید کلی..... ۱۲۰

منابع..... ۱۲۲

ظهور دولت‌شهرهای مختلف در یونان باستان، تربیت انسان‌هایی برای اداره آن دولت‌شهرها را ضروری ساخت. از این رو سوفسطاییان کمر همت بسته و به تربیت چنین انسان‌هایی مشغول شدند و آنچه در این راستا مورد عنایت ویژه واقع گشت خود انسان، روحیات و کنیت برخورد او با افراد جامعه و انسان‌های دیگر و در یک‌سخن مباحثی پیرامون انسان بوده است.

این عامل نیز سبب شد که انسان از جهت دیگر محور کانون اصلی توجه واقع شود. مباحث فلسفی از پژوهش نظری پیرامون کیهان و هستی، به پژوهش در تحقیق پیرامون انسان تغییر جهت دهد و مهم‌ترین وظیفه سیاست و دولت، تربیت انسان و شکل بخشی به آدمی وزندگی او تلقی گردید. در عین حال تاریخ فرهنگ یونان، تاریخ محوریت انسان نسبت به همه امور عالم، حقایق بوده و بهبودی زندگی این جهانی و مادی او اساسی‌ترین غایت و هدف تمام تحقیقات نظری و عملی و تلاش‌های اجرایی بوده است.

اما پس از زوال فرهنگ و تمدن یونانی به دنبال جنگ‌های متعدد و زوال دولت‌شهرها و فروپاشی آن‌ها، بازمانده‌های تمدن یونانی به روم متصل گردید و متفکرین رومی سعی نمودند تا با استفاده از عناصر آموزه‌های فرهنگ یونانی، تحولی در فرهنگ، هنر و ادب خود ایجاد نمایند. ولی با اشاعه مسیحیت در روم و تثبیت نهاد کلیسا، وضع از ریشه دگرگون گردید.

بنا بر آموزه کلیسا و مسیحیت تبلیغ شده توسط پولس و سایر رسولان، انسان ذاتاً فاسد و تبهکار است و این فساد و خبث باطنی انسان به حدی است که او خود نمی‌تواند چاره‌ای اندیشیده و خویشتن را از این گناه و فساد فطری نجات دهد، بدین جهت خدای متعال باتدبیر خویش و مطابق لطف و محبت خود، فرزندش را که در حقیقت جلوه انسانی خداوند است به شکل انسان درآورده و با زجر و شکنجه دیدن او، درنهایت به صلیب کشیده شدن او، فدیهای برای نجات بشریت پرداخت نموده است.

بدیهی است که در این رویکرد، انسان از جایگاه مهم و ارج وافی برخوردار نیست. در این اساس نمی‌تواند محور پژوهش‌های علمی قرار گیرد، از این رو ملاحظه می‌شود که محوریت انسان در پژوهش‌ها و تحقیقات مختلف که در یونان باستان و نیز (روم باستان) به اوج خودش رسیده بود، در قرون وسطا روبه‌زال نهاده و حتی فلسفه نیز خادم الهیات می‌شود.

اما با افول تدریجی دین مسیحیت در نهان قرون وسطا، تفکر اومانیستی یونان باستان، مورد توجه مجدد قرار گرفت و متفکرین عصر رنسانس به همان تفکر بازگشتند. اندیشمندان دوره رنسانس با پدید آوردن جنبشی علیه آموزه‌های قرون وسطا و مسیحیت، بازگشت به دوران باستان را مطرح نمودند به‌طوری‌که فرهنگ کلاسیک باستانی، خود را به‌عنوان فرهنگی آرمانی عرضه کرد و همه مردمان اعم از شاعران، نویسندگان، سخنوران، تاریخ‌نویسان و پژوهشگران، عنوان اومانیست یافتند و بدین‌سان رنسانس یعنی تولد دوباره ادب و

فرهنگ دوران باستان، به صورت جدی و همه جانبه مطرح گردید؛ و در حقیقت، علاقه به دوران کلاسیک یونان و روم، مشخصه و ویژگی اساسی تفکر اومانیستی عصر رنسانس است.

رنسانس با رجوع به یونان باستان و پذیرش آن انسان را محور پژوهش‌های خود قرار داده و روح انسان‌مداری را در تحقیقات علمی خود به‌ویژه در ادبیات، شعر، تاریخ، معانی و بیان، حاکم نمود.

در عصر جدید آدمی با نیازها و خواست‌ها و آرمان‌ها و تمایلات ناسوتی‌اش روبرو و معیار همه چیز پنداشته می‌شود و به تعبیری انسان، خدا می‌شود. مارتین فویر باخ^۱، می‌نویسد برای بشر خدا همان بشر است. مارتین بیدگر نیز در تعریف عصر جدید که دوران سیطره اومانیسم است، چنین می‌نویسد دورانی که ما آن را مدرن می‌خوانیم با این حقیقت تعریف می‌شود که انسان، مرکز و ملاک تمامی موجودات است محوریت تمام کار و همه جانبه انسان در تفکر اومانیستی و در حقیقت تکیه زدن انسان به جای خداوند متعال و طرد خدای متعالی دین و سنتی تا بدان حد است که آنان پل سارتر اعلام می‌دارد فلاسفه اومانیست برای رهایی از چنگال خردپرستی، تصور نوعی وجود متعالی را کنار نگذاشتند، بلکه صرفاً نام آن را تغییر دادند. از سوی دیگر تضاد ماهوی غرب مدرن با اسلام نیز در همین جوهر اومانیستی مدرنیته نهفته است، چراکه غرب مدرن در همه شئون و جنبه‌های خود اومانیستی و بشر انگار و ازاین‌رو، غیردینی و

^۱ فیلسوف آلمانی ماتریالیست قرن نوزدهم

بلکه ضد دینی است. اومانیزم، اصلی‌ترین شاخص تفکر و تمدن مدرن است که حقیقت آن سیطره ساحت نفسانی وجود آدمی بر ساحت روحانی وجود وی و اسارت در چنگال نفس اماره است و با انکار بندگی خداوند به اثبات بردگی نفس اماره می‌پردازد. دموکراسی نیز صورت سیاسی و اجتماعی تفکر اومانستی است.

www.ketab.ir